

تحلیل تجربه‌های زنانه از جراحی زیبایی (مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای جراحی زیبایی)

امید قادرزاده^{۱*}، کمال خالق‌پناه^۲، سارا خزایی^۳

چکیده

جراحی زیبایی، به‌مثابه یکی از شیوه‌های شایع مدیریت بدن، وارد الگوهای مصرف و فرایند صورت‌بندی هویت‌ساز زنان شده است. در پژوهش حاضر، به قصد راه‌بردن به تجربه و درک زنان از جراحی زیبایی، به روش نظریه مبنایی با ۲۷ نمونه زن با تجربه جراحی زیبایی مصاحبه نیمه ساخت یافته به عمل آمد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که زنان در مواجهه با دگرذیسی هنجارهای زیبایی، بدل‌شدن زیبایی به امری اروتیک، ملال‌آوردن زندگی روزمره، و تکثیر تصورات منفی از جسمانیت خویشتن به جراحی زیبایی روی می‌آورند. در این میان، فردی‌شدن زیبایی و پیشرفت‌های علم جراحی به‌مثابه زمینه تسهیلگر و الگوپذیری از مدل‌های رسانه‌ای به‌منزله شرایط مداخله‌گر عمل کرده‌اند. بازسازی معنایی تجربه و درک زنان از کنش جراحی زیبایی بر ابزاری‌شدن بدن، اکتسابی‌شدن زیبایی، و رسانه‌ای‌شدن بدن دلالت دارد. براساس مطالعه حاضر، جراحی زیبایی با وجود ارتقای اعتماد به نفس زنان، مخاطرات جسمی، وسواس زیبایی، اختلال در زندگی روزمره، و انزوای اجتماعی را در پی داشته است.

کلیدواژگان

ابزاری‌شدن بدن، جراحی زیبایی، سبک زندگی بدن‌محور، وسواس زیبایی.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان
o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان
kkhaleghpanah@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان
khazaie.sara@yahoo.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۸

طرح مسئله

در جامعه معاصر، که با مصرف گره خورده است، نمادهای تمایزبخش افراد در مصرف نهفته است و مصرف معطوف به هویت افراد شده است؛ هویتی که بیشتر در فرهنگ بصری یا دیداری و نمودهای عینی آن همچون بدن نهفته است [۱۴، ص ۱۲۴]. فرد تمامیت و چهره خود را از بدن می‌گیرد. بدن دیگر نه پدیده‌ای غیرقابل تفکیک از انسان، بلکه به منزله نوعی تملک، یک مشخصه، یک دیگری، یا یک خود دیگر مطرح می‌شود [۲۴، ص ۱۷]. در دنیای معاصر، که هنوز زنان در معرض نگاه‌های خیره دیگران اند و قضاوت درباره آن‌ها، بسیار بیشتر از مردان، براساس ظاهرشان استوار است، زنان به دنبال موازنه قدرت در مناسبات خانوادگی و اجتماعی خود بر بنیان هویت بدنی‌اند [۲۱، ص ۲۴۱-۲۴۴].

امروزه، با افزایش تجهیزات شناختی زنان از قبیل تحصیلات و شناخت در باب خویشتن، فضای تعامل زنان با خویشتن دگرگون شده است. یکی از آن حوزه‌هایی که هویت زنانه را برمی‌سازد بدن است. درحالی که در گذشته بدن امری محتوم بود و واقعیتی طبیعی که باید با آن زیست، امروزه بدن در انواع و اقسام فرم‌های مدیریت بدن به یکی از مؤلفه‌های بازاندیشی در هویت زنان مبدل شده است. از این رو، جراحی زیبایی یکی از تمهیدات مورد توجه زنان متعلق به جایگاه‌های مختلف اجتماعی برای تصاحب چیزی از دست رفته در زندگی روزمره است؛ شکلی از بازاندیشی تجسم‌یافته برای پرکردن خلأ زندگی شخصی در زندگی امروزه که باطن را در ظاهر جست‌وجو می‌کنند. همین مسئله گویای ماهیت پیچیده و سیال جراحی زیبایی به مثابه یک واقعیت فرهنگی-اجتماعی است.

درحقیقت، این تغییر در تلقی از زیبایی همراه با دستاوردهای صنعتی و پزشکی باعث شده است زیبایی دیگر فقط یک مشخصه طبیعی و زیستی نباشد. شواهد این فرایند را می‌توان در گرایش روزافزون زنان به زیبایی ظاهری، جراحی‌های زیبایی (زیبایی کلینیکی) و تناسب اندام مشاهده کرد. داده‌ها و شواهد تجربی نشان می‌دهد هفتاد درصد از کل جراحی‌های انجام‌شده زیبایی به جراحی زیبایی بینی مربوط است [۲، ص ۷] و ایران از نظر تعداد جراحی‌های زیبایی، به‌ویژه جراحی بینی، در دنیا مقام اول را دارد و پایتخت جراحی بینی جهان به‌شمار می‌رود [۷، ص ۸].

شهر سنندج نیز، به‌منزله بخشی از جامعه ایران، از این قاعده مستثنا نیست و کم‌وبیش تحت تأثیر رسانه‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، تجاری‌شدن، رشد فرهنگ مصرفی، حضور پُررنگ زنان در عرصه‌های عمومی، افزایش سطح تحصیلات و سواد رسانه‌ای، و... است. این تحولات تأثیر شگرفی بر مقوله بدن، به‌ویژه جراحی‌های زیبایی در میدان مطالعه شده، گذاشته است؛ مثلاً، امروزه در سطح شهر سنندج شمار زیادی از افراد با بینی‌های چسب‌خورده دیده می‌شود و مراکز و کلینیک‌های زیبایی رشد چشمگیری داشته است. پژوهش حاضر درصدد است تفاسیر و دلالت‌های معنایی جراحی‌های زیبایی را، که از تحولات فرهنگی ذکر شده متأثر

است، در میان زنان سنندج کنکاش و بررسی کند. با توجه به موارد گفته‌شده و با عطف به جایگاه مدیریت بدن در رویکردهای نوین هویت‌های فردی و اجتماعی، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که دلایل و انگیزه‌های جراحی زیبایی در نزد زنان چه بوده است؟ بدن، به‌مثابه یک متن، گویای چه معانی برای کنشگران است؟ زیبایی به چه معناست؟ و جراحی زیبایی در زندگی فردی و اجتماعی زنان چه آثار و پیامدهایی در پی داشته است؟

مروری بر ادبیات تجربی

مروری هرچند گذرا بر ادبیات جراحی زیبایی به‌منزله یکی از ابعاد مدیریت بدن از کثرت پژوهش‌های به انجام رسیده در این حوزه، به‌ویژه در چارچوب روش‌شناسی کمی، نشان دارد. بر مبنای مطالعات تجربی موجود، جراحی زیبایی به‌مثابه یک رفتار مصرفی هویت‌بخش ماهیت فراطبقاتی پیدا کرده است [۱۲؛ ۱۸؛ ۱۹]. در این دسته از مطالعات، جراحی زیبایی در قالب رفتار بدنی مطالعه شده و در تبیین آن به عواملی نظیر فشارهای منفی اطرافیان [۹]، فشار هنجاری [۳]، تصور از بدن، نارضایتی از بدن، مصرف‌گرایی [۱؛ ۱۸؛ ۲۷؛ ۳۲] تمایل به مطلوب‌بودن نزد دیگران، و تصاویر ارائه‌شده در رسانه‌ها [۱؛ ۳؛ ۱۲؛ ۱۶؛ ۳۶]، اعتماد به نفس پایین [۸]، میزان پایبندی به ایدئولوژی سنتی خانواده و میزان حساسیت دینی [۱؛ ۱۱] اشاره شده است.

مطالعات پیمایشی مورد اشاره با اتخاذ موضع بیرونی از فرایندهای معنایی، تکوین، و تغییر این ساختارها غافل مانده‌اند. اینانلو (۱۳۹۰) در تحلیل کیفی سبک‌های مدیریت بدن، براساس معانی اطلاق‌شده به رفتار بدنی سه سبک بدنی «بدن به‌مثابه رسانه»، «بدن به‌مثابه دارایی»، و «بدن به‌مثابه ابزار همنوایی» در بین جوانان تهرانی شناسایی کرده است. بر مبنای مطالعات کیفی ذکایی و امن‌پور (۱۳۹۱) اگرچه در مسیر تحول هیجان‌ها و کنش‌های جسمانی در بستر تاریخی ایران، دین مهم‌ترین عامل در تعیین و نظم‌دهی به مصرف بدن و هنجارهای مختلف آن در متن زندگی روزمره بوده است، امروزه متأثر از مواجهه کانون‌های معنایی غیرایرانی و به‌ویژه غربی است. شهبابی (۱۳۸۸) در کتاب *صنعت- فرهنگ ظاهرآرایی و زیباسازی بدن در ایران* ضمن بررسی شیوه شکل‌گیری و سیر تحول فرهنگ زیبایی در ایران، نشان داده است که محصولات فرهنگی از جمله محصولات ظاهرآرایی حاوی داستان‌هایی است که ابتدای آن را دست‌اندرکاران صنایع فرهنگی یا تولیدکنندگان آن محصولات نوشته‌اند، اما مصرف‌کنندگان با مصرف خود، به‌رغم معنایی که از سوی تولیدکنندگان این محصولات رمزگذاری می‌شود، با رمزگشایی‌های مستقل خود آن داستان‌ها را تکمیل و به پایان می‌رسانند.

مروری بر ادبیات نظری

چرخش نگاه به بدن به‌مثابه یک سازه فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی مرهون مطالعات فرهنگی

بدن در دهه ۱۹۹۰ است. بر مبنای مطالعات فرهنگی بریتانیا، فرهنگ مصرفی تفکر خودکنترلی بدن را در بین مردم رواج می‌دهد و آن‌ها را تشویق می‌کند تا با استفاده از استراتژی ابزاری به مراقبت از بدن خود پردازند. پیام مصرف‌گرایی بیش از هر گروهی زنان را مخاطب قرار می‌دهد. این پیام‌ها به تعبیر بودریار^۱ رابطه زنان را با خودشان بر اساس مصرف شکل می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد به فکر زیبایی، جذابیت، و... باشند؛ یعنی مدلی زنانه پیدا کنند [۲۵، ص ۳۰]. رسانه‌ها به‌طور عام و تبلیغات به‌طور خاص بدن‌های گزینش‌شده را به نمایش درمی‌آورند و این پیام‌ها پیروی و تقلید از این مدها را به همراه داشته است. در این زمینه، فدرستون تصور بدن زیبا را با مسائلی از قبیل سکسوالیته، لذت‌گرایی، اوقات فراغت و نمایش، و تأکید بر اهمیت چهره همراه می‌داند [۳۰، ص ۱۶۱]. به باور بسیاری از فمینیست‌ها، به‌ویژه فمینیست‌های مارکسیست و سوسیالیست، نظام سرمایه‌داری غربی نه تنها به خالی کردن جیب زنان می‌پردازد، بلکه قدرت و استعداد‌های بالقوه آنان را نیز می‌زاید و آن‌ها را از خود بیگانه می‌کند [۱۵، ص ۷]. رسانه‌ها نیز در ساختار دادن این ادراک به زنان، که به‌منزله یک ابژه بصری، باریک، جذاب با پوست سفید، و موهای بلند باشند، نقش مؤثری ایفا می‌کنند. بر این اساس، از دخترانی که به بلوغ رسیده‌اند انتظار می‌رود باریک، زیبا، و جذاب باشند؛ از این‌رو، رژیم‌گرفتن و ورزش و کنترل بدن از جمله اموری هستند که دختران برای ارائه خود در برخورد با دیگران اتخاذ می‌کنند [۳۱، ص ۷۷].

رشد جامعه‌شناسی بدن را عمدتاً به زمان انتشار کتاب معروف برایان ترنر با عنوان بدن و جامعه در سال ۱۹۸۴ نسبت می‌دهند. ترنر نگاه تجاری و مصرفی به بدن را به‌منزله نشانه‌ای از زندگی خوب و شاخصی از سرمایه فرهنگی در جوامع مدرن و پسا صنعتی در نظر می‌گیرد که توجه به زیبایی بدن، انکار بدن سالخورده، طرد مرگ، اهمیت ورزش، و تناسب اندام از پیامدهای آن بوده است. ترنر معتقد است که با یاری تکنولوژی‌های پزشکی از طریق جراحی پلاستیک و زیبایی، دندان‌پزشکی، و... ایده خلق بدن‌ها به‌وجود آمد. به عبارت دیگر، تغییراتی چون صنعتی‌شدن، فردگرایی، و مدرنیته سبب توجه به بدن شد و بدن در این دوران با هویت و مفهوم خود ارتباط یافته است و البته ظهور خود مدرن کاملاً با توسعه مصرف‌گرایی، و مصرف مرتبط است. وضع بدن در جامعه مصرفی متضمن نوعی علاقه تجاری، نمایشی، و آرایشی به آن است. در این جامعه، بدن باید متناسب، لاغر، و جوان نگه داشته شود. رژیم که نوعی حکومت بر بدن تلقی می‌شود، استراتژی جامعه مدرن و فرهنگ مصرفی در حفظ سلامت و زیبایی به‌منزله پایه‌ای از زندگی خوب و سالم در نظر گرفته می‌شود و بنابراین منشأ بی‌میلی به غذا در تصور مردانه مبنی بر اینکه زنان لاغر و ورزشکار، زیبا هستند نهفته است [۳۷، ص ۱۹۶]. به باور ترنر، مطالعه بدن از حوزه نیروهای مقدس به واقعیت‌های دنیوی نظیر رژیم، لوازم آرایش، ورزش، و مسائل پزشکی تغییر مکان داده که این به واسطه پروسه عرفی‌شدن صورت گرفته است.

گافمن^۱ در کتاب نمود خود در زندگی روزمره به مبحث خوداجتماعی و خودانسانی می‌پردازد. در دیدگاه او افراد دائماً در حال اجرای نمایش‌های مختلف‌اند؛ نمایش‌هایی که هدف آن افزایش منابع و به حداقل رساندن ضرر است. اصل مفهوم عرضه و نمایش خود، حفظ تصویر مثبت و متقاعدکننده از خود است. گافمن مفهوم مدیریت تأثیرگذاری را برای حفاظت از خود مطرح می‌کند. به بیان دیگر، افراد در هنگام کنش متقابل می‌کوشند جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که مورد پذیرش دیگران باشد [۳۵، ص ۱۴۰]. ظاهر، که برای خود شخص و برای دیگران قابل رؤیت و نمایش است و به منزله کانون توجه در برخوردهای اجتماعی قلمداد می‌شود، می‌تواند به منزله نشانه‌ای برای تفسیر کنش به کار گرفته شود. از این رو، تکنیک‌های بدن نقش مهمی ایفا می‌کنند، زیرا کسب تکنیک‌های بدن به ما اجازه می‌دهد به خوبی از عهده اوضاعی که ممکن است موجب اضطراب‌های بزرگ و خطرات محتمل شود برآییم و حرکات و اعمال بدنی خود را به طور دقیق و به دور از هرگونه اختلال و کاستی به انجام رسانیم [۳۵، ص ۱۴۱].

گافمن در کتاب *داغ ننگ*، زشتی‌ها و معایب مربوط به بدن - نظیر انواع بدشکلی‌های جسمانی - را در ذیل نخستین نوع داغ ننگ دسته‌بندی می‌کند. *داغ ننگ* به ویژگی یا صفتی اشاره دارد که به شدت بدنام‌کننده یا ننگ‌آور است. به زعم وی، قدرت داغ‌زنی یک صفت نه در ذات خویش، بلکه در روابط اجتماعی ریشه دارد [۲۰، ص ۱۸-۱۹]. از نظر گافمن، آرایش و انواع دستکاری‌های بدنی وسیله‌ای برای به دست آوردن نقابی زیبا در اجتماع است [۲۸، ص ۱۳۹]. از نگاه گیدنز، پیکر ما فقط نوعی موجودیت طبیعی نیست که مالکیت آن را به ما تخصیص داده باشند، بلکه بدن نوعی دستگاه متحرک است، مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌هاست و غوطه‌ور شدن عملی آن در کنش‌های متقابل زندگی روزمره یکی از ارکان عمده نگاهداشت و تحکیم مفهوم منسجم و یک‌پارچه‌ای از هویت شخصی است [۲۲، ص ۱۴۴]. توجه به بدن جست‌وجویی برای هویت است و می‌توان با رجعت به آن تعریف مشخصی را جست‌وجو کرد که مقید به قواعد و انتظارات اجتماعی نیست [۱۳، ص ۱۴۴]. به زعم گیدنز، نظارت بر فرایندهای جسمانی جزء ذاتی نوعی توجه بازتابی مداوم است که کنشگر باید نسبت به رفتار خویش نشان دهد [۲۲، ص ۶۳].

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش حاضر از نوع کیفی است و از بین روش‌های مختلفی که برای تحقیقات کیفی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد، از روش نظریه مبنایی^۲ بهره گرفته شده است. در این پژوهش، از نمونه‌گیری هدفمند^۳ برای گزینش افراد مصاحبه‌شده و از نمونه‌گیری نظری^۴ برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز، و یافتن مسیر پژوهش استفاده شده

1. Goffman
2. grounded theory
3. purposive sampling
4. theoretical sampling

است. استراتژی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساخت یافته بوده است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش زنان ۱۸ تا ۳۵ ساله‌ای بودند که در شهر سنندج عمل جراحی زیبایی بینی را انجام داده‌اند. بر این اساس، کلیدی‌ترین افراد مشاهده و مطالعه شده‌اند تا اشباع نظری^۱ فرارسد [۴]. در این پژوهش، پس از انجام دادن ۲۰ مصاحبه نیمه ساخت یافته، اشباع نظری حاصل شد و جهت اطمینان بیشتر مصاحبه‌ها تا ۲۷ نفر ادامه یافت. پس از بررسی مصاحبه‌ها، فرایند کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی انجام شد. طبق مدل نظریه مبنایی، داده‌هایی که نشانه‌ای از حوادث، وقایع، و اتفاقات منجر به وقوع یا گسترش جراحی زیبایی داشت، تحت شرایط مقدم قرار گرفت و عکس‌العمل‌های نتیجه و حاصل کنش برای فرد به‌منزله تأثیرات و پیامدهای جراحی زیبایی مشخص شد [۴].

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

میدان مطالعه‌شده این پژوهش شامل ۲۷ نمونه از زنان شهر سنندجی است که تجربه جراحی بینی دارند. از این تعداد، ۵ نفر متأهل، ۱ نفر مطلقه، و ۲۱ نفر مجرد بودند. به لحاظ سن، جمعیت نمونه بین ۱۸ تا ۳۵ قرار دارد که بیشترین افراد در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال (۳۷ درصد) و سپس در گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال (۳۳ درصد) و بقیه (۳۰ درصد) در گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال بوده‌اند. از نظر سطح سواد، ۶۲/۹ درصد لیسانس، ۲۲ درصد فوق لیسانس، ۱۱ درصد دیپلم، و ۳ درصد زیر دیپلم بودند. از نظر وضع فعالیت، ۴۸ درصد بیکار، ۲۶ درصد شاغل، ۱۵ درصد دانشجو، و ۱۱ درصد خانه‌دار بودند.

داده‌ها و یافته‌ها

بسترها و زمینه‌های جراحی زیبایی

۱. یکنواختی زندگی روزمره

از منظر زنان مصاحبه‌شده، زنان عمل‌های جراحی گران، خطرناک، به احتمال ناموفق، و مهلک را انجام می‌دهند تا از این طریق از خستگی و ملال زندگی روزمره‌های یابند؛ مثلاً، روزان ۲۶ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی در برابر این پرسش که دلایل و انگیزه‌های اقدام به جراحی زیبایی زنان چه بوده است چنین پاسخ داده است:

- بیکاری و افی و هیچ‌چیزی نیست که بهش فکر کنن و چون سرگرمی و شغلی ندارن، جوانان مجبورن خودشون رو درست کنن و بیان به نمایش بذارن. من خودم وقتی پشت کنکور بودم و بیکار همش جلوی آینه می‌رفتم و به خودم گیر می‌دادم و اگه قبول نمی‌شدم، شاید گونه و پلکم رو هم علاوه بر دماغ، جراحی می‌کردم.

1. theoretical saturation

لیلا ۲۳ ساله دانشجوی حقوق و مجرد در این خصوص چنین می‌گوید:
- تغییر وضع موجود، منظوم شرایط جامعه‌مونه که نه برای جوون‌ها کاری، نه اوقات فراغتی، نه سرگرمی. هیچی براشون فراهم نکرده. به‌خصوص دخترها که واقعاً خسته شدن و هیچ کاری ندارن جز اینکه خودشون رو آرایش کنن یا زیبا کنن.

۲. دگردیسی هنجارهای زیبایی

دگردیسی هنجارهای زیبایی و استاندارد شدن زیبایی به معنای معیار و ملاک مشخص برای زیبایی و بدن، یک استراتژی قوی برای کنترل و نظارت بر بدن در دنیای معاصر است. دگردیسی معیارهای زیبایی و ازدواج و همین‌طور الگوشدن این معیارها در رسانه‌های ارتباطی در زمره مفاهیمی هستند که مقوله استاندارد زیبایی را منجر می‌شود. مهری ۳۵ ساله و مجرد بر اهمیت یافتن زیبایی در جامعه تأکید می‌کند و این‌گونه به تشریح آن می‌پردازد:

- به خاطر اینکه جامعه می‌خواد. هر جا بری می‌گن ما یه دختر زیبا می‌خوایم، فقط خوشگل باشه، ولی این خوشگلی به چه قیمتی؟ قبلاً می‌گفتن نجابت، پاکی، صداقت. الان همه چی عوض شده. فقط صورت و بدن، همه مردها دنبال زن زیبا هستن. الان کسی ازدواج می‌کنه که زیبا باشه، کسی مورد توجه قرار می‌گیره که زیباست. به خاطر اینکه عقل همه به چشمشونه. همه چی شده ظاهر و زیبایی که خود جامعه مشخص کرده.

سارا ۲۵ ساله و مجرد نیز تلقی خود را از زیبایی این‌چنین بیان می‌کند:

- تو نگاه اول خوست بیاد ازش، یک زن زیبا باید دماغ خوشگل، و سر و صورت خوبی داشته باشه. علاوه بر این، باید مرتب و آراسته هم باشه. دوست داشتم دماغم مثل آنجلیا باشه. همین‌طور بازیگرهای ایرانی تو فیلم‌های خودمون. الان همه دوست دارن اندام باربی داشته باشن، چهره شیطون، فشن، دماغ عروسکی، کلاً مانکن باشن.

۳. خودپنداره منفی (تکثیر تصورات منفی از جسمانیت خویشتن)

در فضای اجتماعی، ارزیابی انسانی از خویشتن براساس مقایسه خود با دیگران در حوزه‌های مختلف صورت می‌گیرد. این امر در زمانه مصرف‌گرایی بیش از پیش تشدید شده است. ایدئولوژی مصرف‌گرایی ارائه‌شده به‌وسیله رسانه‌ها الگوهایی استاندارد را تبلیغ می‌کند که در فرایند زندگی اجتماعی به معیار افراد در ارزیابی از خویشتن بدل شده است. این معیارهای مصرف‌گرایانه رسانه‌ها عموماً به نارضایتی از خویشتن منجر می‌شوند. بر این اساس، این نگاه دیگران و رسانه‌هاست که فرد را به ارزیابی خود به‌عنوان زیبا یا نازیبا هدایت می‌کند. از منظر گافمن، می‌توان نازیبایی را نوعی داغ ننگ تلقی کرد. به‌زعم گافمن، حضور بی‌واسطه افراد زیبا (به‌عنوان افراد عادی) احتمال دارد این شکاف ایجادشده بین چشم‌داشت‌های فردی و جمعی را تشدید کند. اما زمانی که فرد در مقابل آینه قرار گیرد، تنفر از خود و خودخورانگاری نیز ممکن است رخ دهد [۲۰، ص ۲۳].

مریم ۲۶ ساله و دانشجوی ارشد گرافیک در پاسخ به اینکه چه شد که به فکر جراحی زیبایی افتادی؟ چنین می گوید:

- همیشه تو فکرش بودم، ولی وقتی عکس‌ها و فیلم‌هام رو می دیدم بیشتر به فکرش می افتادم. خودم از خودم بدم می اومد و از صورتم ناراضی بودم. همین که جلوی آینه می رفتم عذاب می کشیدم و همش تو فکرم بود. با خودم می گفتم اگه عمل کنم، چقد خوشگل می شم.

ژیلا مجرد و ۳۵ ساله در این باره می گوید:

- من از خودم راضی نبودم. می خواستم از خودم راضی تر باشم و زیباتر بشم. من هرچی خواستگار داشتم رد کردم چون از خودم خوشم نمی اومد. راضی نبودم، می گفتم تا دماغم رو عمل نکنم ازدواج نمی کنم.

۴. زیبایی اروتیک^۱

جنسیتی شدن زیبایی نشان از رواج نگاه کالایی به زن و برجسته شدن نقش ظاهر و بدن در زندگی روزمره دارد. کالایی شدن بدن زن برای لذت بصری به معنای اروتیزه شدن بدن زنانه است. بت سازی مستمر و اروتیزه شدن زیبایی زنانه در مجله‌ها و فیلم‌ها به زنان یاد می دهد که بدن خود را بت سازی کنند، نه تنها در خلوت، بلکه جلوی همه و از این طریق و با جلب توجه دیگران به ابراز مالکیت و کنترل خود بر بدن می پردازند. نادیا ۲۷ ساله و مجرد دلایل شایع شدن جراحی زیبایی را چنین بیان می دارد:

- توی جامعه ما ظاهر خیلی مهم شده. به خصوص از نگاه مردها و زیبایی رو مهم ترین ویژگی یک زن می دونن. الان همه جا، حتی در محیط های رسمی، زنان طوری خودشون رو تزئین می کنند که مردها لذت ببرن و همه این ها تأثیر می ذاره روی کسی که زیباتره و یا شاید دست به جراحی زده. سمیه ۳۵ ساله، متأهل، و رادیولوژیست نیز بر این باور است:

- زیبایی خیلی مهمه، به خصوص توی جامعه ما که همه عقلشون به چشمشونه. به خصوص مردها. شاید خیلی ها راضی باشن به هر قیافه ای که دارن، ولی جامعه قبولشون نمی کنه و همین باعث می شه همش نگران باشن و برن دستکاری کنن.

۵. فردی شدن زیبایی

زیبایی که زمانی امری استعلایی محسوب می شد، اینک خصلت فیزیکی، تکنیکی، و فردی به خود گرفته است. بیشتر مصاحبه شوندگان جراحی زیبایی را امری فردی و امروزی تلقی می کنند. بر مبنای نتایج مصاحبه‌ها، نظارت و کنترل فردی بر بدن افزایش یافته است. مرضیه ۲۵ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی در پاسخ به اینکه زیبایی به چه معناست؟ چنین می گوید:

1. eroticization of beauty

- خدا خودش علم جراحی رو به ما داده. وقتی داده باید استفاده کرد. اصلاً خدا خودش زیباست و زیبایی رو دوست داره.
آزاده، متأهل و دانشجوی کارشناسی ارشد در این باره می‌گوید:
- اینکه جراحی زیبایی گناه داره، یه توهم محضه. از نظر دین ما خدا زیباست و زیبایی رو دوست داره و به نظر من دین ما نظر چندان مخالفی نداره. مگه چقدر زنده‌ایم. باید اون جووری که می‌خوایم زندگی کنیم.

۶. پیشرفت علم جراحی

پیشرفت و گسترش علم جراحی و اعتماد مردم به علم پزشکی موجب شده عمل جراحی زیبایی به عملی آسان، در دسترس، و امنیت‌بخش مبدل شود. این مسئله با محث اعتماد به نظام‌های تخصصی در دیدگاه‌گیدنز مرتبط است. مهندسان، پزشکان، معلمان، معماران، و... همگی در درون نظام‌هایی که دانش متخصصان را انسجام می‌دهند عمل کرده و به‌طور مداوم بر بسیاری از جنبه‌های اعمال ما تأثیر می‌گذارند [۲۱، ص ۳۳-۳۴].
یاسمن ۲۶ساله، دانشجوی فلسفه، و مجرد درباره اینکه چرا جراحی زیبایی شایع شده؟ چنین می‌گوید:

- دوست‌هام و همکلاسی‌هام اکثراً اینجا اومده بودن و به من هم گفتن پیام اینجا. هزینه هم دو تومن شد. چون دکتر فوق تخصص داره و کارش خیلی خوبه. هزینه عمل نسبت به جاهای دیگه خیلی کمه، رفت و آمد راحت‌تره، و کمتر اذیت می‌شی.
در کنار پیشرفت‌های علم پزشکی، دسترسی‌پذیری یکی از مؤلفه‌های مورد توجه مصاحبه‌شوندگان بوده است. سهیلا ۲۳ساله، مجرد، و لیسانس ادبیات نیز چنین می‌گوید:
- وقتی این همه علم و تکنولوژی پیشرفت کرده، چرا دستکاری نکنی. وقتی هزینه‌ها این قدر پایینه، جراح‌های زیادی تو ایران و شهر ما هست و همشون تحصیل کرده و متخصصان، چرا دست نزنی.

۷. الگوپذیری از مدل‌های رسانه‌ای

در دنیای معاصر، زیبایی بر یک‌رشته معیارها و اصول استوار شده است که از بالا تجویز می‌شود؛ نظیر الگوها و مدل‌هایی ساختگی چون باربی، فشن، عروسکی، مانکن، و... که رسانه‌های جمعی مختلف آن‌ها را تبلیغ می‌کنند. این مدل‌ها اصول و استانداردهای زیبایی را در همه معیارهایش تعریف می‌کند که زنان با معیار قرار دادن این مدل‌ها به جراحی زیبایی دست زده‌اند تا خود را به آن‌ها نزدیک کنند یا شبیه آن‌ها شوند. رسانه‌ها با معرفی هنجارهای زیبایی بدنی و تصاویر ساختگی و ارائه آن به مخاطبان به منظور یکسان‌سازی و همانندسازی بدن‌ها و در نتیجه کنترل بیشتر بر آن‌ها عمل می‌کنند. به نظر بودریار، ما در عصر «فراواقعیت» زندگی می‌کنیم که در آن واقعیت جای خود را به نشانه‌های محصول تکنولوژی و تصاویر محصول رسانه‌ها داده است؛ بازنمودها بازنمودهای

بیشتری را پرورش می‌دهند بدون اینکه به آنچه واقعاً بازنمود شده اشاره بکنند. بست و کلنر مثالی درباره اندیشه بودریار از کیندی جکسون ذکر می‌کنند و آن مثال «زن عروسک باری» است که بیش از سی عمل جراحی انجام داده تا شبیه آن عروسک بشود؛ درحالی که خود آن عروسک بازنمودی از یک ایده آل غیرممکن بود و نه یک زن واقعی [۲۶، ص ۵۹]. به زعم الیوت، افزایش توجه به کوچک‌ترین جزئیات پوست یا کوچک‌ترین تغییر شکل بدن، از عناصر اصلی فرهنگ رسانه‌ای است [۴۳، ص ۵]. بر مبنای نتایج مطالعه احمدنیا (۱۳۸۵) تأثیر فشارهای فرهنگی به منزله مهم‌ترین عامل در گرایش زنان به تناسب اندام از طریق رسانه‌ها تشدید می‌شود. اوین ۲۳ ساله و مجرد در برابر این پرسش که چرا جراحی زیبایی شایع شده چنین پاسخ داده است:

- من همیشه ماهواره و شبکه جم رو، که به مسائل زیبایی و بدن می‌پردازه، نگاه می‌کنم. خیلی برنامه جالبیه. یه مدل‌هایی می‌بینی که واقعاً زیبا و قابل توجه هستن. من دوست داشتم شبیه یکی از خواننده‌ها، که اسمش هم یادم رفته، بشم و همیشه تو ذهنم برای اینکه لبم و گونه‌هام مثل اون برجسته بشن، الان که دماغم رو عمل کردم، دوست دارم لبم و گونه‌هام رو هم پروتز کنم.

صبا ۲۱ ساله، دانشجوی، و مجرد نیز زیبایی را این‌گونه تعریف می‌کند:

- کسی زیباست که هیچ عیبی توی صورتش نباشه. کامل و پرفکت باشه. همه اجزای بدنش تناسب و تعادل داشته باشه. و من فکر می‌کنم با جراحی زیبایی می‌تونم به این بدن زیبا برسی. جراحی زیبایی می‌تونه در خدمت بهتر شدن زندگی انسان باشه و اون رو به تصوراتش از زیبایی و زیباتر شدن برسونه.

تجربه و درک از جراحی زیبایی

۱. اکتسابی شدن زیبایی

اگر در گذشته دستکاری بدن تقریباً امری غیر ممکن و عملی نابخشودنی تلقی می‌شد و اگر در دهه‌های اخیر روش‌های زیباسازی بدن ملک مطلق طبقات اجتماعی بالا بود، اینک افراد معمولی و متوسط جامعه می‌توانند کم‌وبیش به زیبایی مورد نظر خود دست یابند. به عبارت دیگر، جوانی و زیبایی برای عامه مردم امکان‌پذیر شده است. به قول ساندر ژیلن، در دنیایی که ملاک قضاوت ظاهر افراد است، این باور که ما می‌توانیم ظاهرمان را تغییر دهیم آزادی‌بخش است [۱۷، ص ۱۲۷]. از منظر زنان مصاحبه‌شده، در وضعیت فعلی، زیبایی ماهیت اکتسابی، انتخابی، و همگانی پیدا کرده است. آزاده، متأهل و دانشجوی کارشناسی ارشد در این باره می‌گوید:

- زیبایی بیشتر اکتسابی توی دنیای پیشرفت علم و تکنولوژی. البته من با این زیبایی در صورتی که منجر به تناسب و تعادل باشه موافقم نه به شکل افراطی اینکه به دنبال قرینه‌شدن سوراخ‌های بینی باشی یا شکل‌های افراطی تر.

آذر ۳۵ ساله و متأهل نیز می‌گوید:

- الان می‌شه همه‌چیز رو دستکاری کرد و اون جووری که خودت می‌خوای بشی، ولی به دستکاری تو بدن و سر و صورت اعتقاد دارم نه دستکاری رو همه‌چیز و اینکه دچار نوعی وسواس بشی. در جواب اون‌هایی که می‌گن نباید دستکاری کرد، به نظر من زیبایی که مهم‌ترین چیز به حساب می‌آد سلیقه‌ای و به دست آوردنیه.

۲. ابزاری شدن بدن

زنان با زیبایی و اصلاح بدن به دنبال افزایش شانس خود در کسب فرصت‌های اجتماعی چون ازدواج، اشتغال، دوستیابی، و موفقیت بیشترند. اکثر زنان مصاحبه‌شده بر این باورند که زیبایی معیار اصلی ازدواج در این زمانه است. بنابراین، باید زیبا باشی تا مورد پسند واقع شوی. زنان برای به دست آوردن همسر مناسب و برنده‌شدن در «مسابقه انتخاب» یا «میدان رقابت» ناچارند به شیوه‌های مختلف، که یکی از آن‌ها جراحی زیبایی است، خود را زیباتر کنند. «برای زنان که همواره در معرض انتخاب مردانه بوده‌اند و نگاه ارزیابانه به شکلی آن‌ها را وا می‌داشته به آن توجه نمایند» [۲، ص ۱۱۰].

مهشاد، ۲۱ ساله و مجرد در پاسخ به این پرسش که زنان با جراحی زیبایی به چه می‌رسند؟ چنین می‌گوید:

- خب فکر می‌کنم با زیباتر شدن شوهر راحت‌تر گیر می‌آد، چون شرط ازدواج تو جامعه ما همین زیبابودنه. برای اینکه خواستگارهام بیشتر بشن و بتونم بهترین رو برای ازدواج و همسر خوب انتخاب کنم.

نظر مریم، ۲۵ ساله و مجرد نیز در این باره شنیدنی است:

- الان حتی رفتن سر کار و پیدا کردن شغل برای زنان جامعه ما مشروط به زیبایی اون‌هاست. شرایط شغل‌هایی مثل منشی‌گری، استخدام در شرکت‌های خصوصی، کار در بیمارستان‌ها همش زیباییه. حتی زن‌هایی که الان سر کارن باید زیبایی و جوونی‌شون رو بیشتر کنن تا تو کارشون بیشتر مورد توجه قرار بگیرن و در نتیجه موفق‌تر بشن.

۳. رسانه‌ای شدن بدن

از منظر گیدنز، مدیریت بدن به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی، به پروژه‌ای بازتابی تبدیل شده است. بدن به‌منزله مستقیم‌ترین و در دسترس‌ترین قرارگاهی است که می‌تواند حامل و نمایشگر سبک‌های زندگی و اشکال هویتی باشد. مفاهیمی چون تنهایی، تأیید اجتماعی، تحسین اجتماعی، جلب توجه، نمایش خود، دیده‌شدن، ترس از طرد و انزوا، و پسندیده‌شدن همگی از رسانه‌ای شدن بدن و درک و تجربه اصلاح و دستکاری بدن برای ارائه و مدیریت خود در زندگی روزمره نشان دارد.

ستاره ۳۵ ساله و متأهل نیز درک خود را از جراحی زیبایی این گونه بیان می کند:

- آدم‌ها، به خصوص زن‌ها، با جراحی زیبایی، آرایش کردن می‌خوان خودشون رو به نمایش بذارن. الان تو شهر سنندج فکر می‌کنم این جور شده. زن‌ها عقده دیده شدن دارن و با مدل لباس، مدل بینی، و آرایششون می‌خوان بگن هستیم؛ درحالی که شاید برای شوهراشون و تو خونه این جور نکنن و اون قدر به خودشون نرسن. فکر می‌کنم اون قدر مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفتن می‌خوان جلب توجه کنن. دخترها هم که دوست دارن تأیید بشن و مورد پسند قرار بگیرن.

روژان ۲۶ ساله و دانشجوی روان‌شناسی بالینی نیز بر این باور است:

- تو زمونه‌ای زندگی می‌کنیم که همه احساس تنهایی می‌کنن. شاید با این کار می‌خوان دو تا دوست پیدا کنن تا از تنهایی درآن. خیلی‌ها هستن که دوست دارن همش دیده بشن نمایش بدن و فکر می‌کنم همش به خاطر عقده‌های ندیده شده.

آثار و پیامدهای جراحی زیبایی

۱. ارتقای اعتماد به نفس

بیشتر مصاحبه‌شوندگان کسب اعتماد به نفس را یکی از پیامدهای جراحی زیبایی بیان کرده‌اند. مژگان ۳۵ ساله، مجرد، و ماما در این باره می‌گوید:

- خب از نظر فردی که خیلی خوب بوده، احساس آرامش دارم فکر می‌کنم یک کار خیلی بزرگی که باید انجام می‌دادم، انجام دادم. اعتماد به نفسم بالا رفته. از خودم راضی‌ام. در سلامت روح تأثیر مثبت داره. چون هرکسی که طالب عمل جراحیه می‌خواد یک نوع خلایق در ذهنش و روحش حل بشه. مرضیه دانشجوی، مجرد، و ۲۵ ساله نیز در این باره می‌گوید:

- از نظر فردی اعتماد به نفس به دست آوردم، آرامش پیدا کردم، بیرون می‌رفتم همه دنبال من می‌اومدن که کجا عمل کردی و این من رو خیلی راضی می‌کرد.

۲. اختلال در زندگی روزمره

اکثر مصاحبه‌شوندگان از به هم خوردن وضع طبیعی زندگی و اختلال در زندگی روزمره بعد از عمل می‌نالند. اینک که خوردن، خوابیدن، راه رفتن، ورزش، شنا کردن، گریه کردن، حتی عطسه کردن آن‌ها با مشکل مواجه شده است. بنفشه ۲۱ ساله و مجرد آثار بعد از عمل را چنین بیان کرده است:

- به راحتی نمی‌تونم بخوابم. همش از خواب می‌پریم، چون نفسم تو خواب می‌گیره. اذیت می‌شم، زیادی خروپف می‌کنم. شنا که دیگه نباید بری. تقریباً تو همه فصل‌ها به خصوص زمستون من سرما می‌خورم و دائم آب‌ریزش بینی دارم. ورزش‌هایی که

ممکنه به دماغت صدمه بزنه رو نباید انجام بدی. با کسی نمی‌تونی شوخی کنی چون ممکنه حواسش پرت بشه و محکم بزنه تو دماغت. همش تو استرس و ترسی که ضربه نزنن به دماغت، به گونه‌ت.

سمیرا ۲۶ ساله و مجرد نیز در این زمینه می‌گوید:

- نه خواب دارم نه خوراک. کم‌درد دارم. خیلی پشیمونم. خیلی سختی کشیدم و پوستم خیلی بد شده. الان با دهن نفس می‌کشم. تا دستم به دماغم می‌خوره، آب از چشم‌هام می‌آد. راحت نمی‌تونم بخوابم. نفسم بند می‌آد. صدام عوض شده. مش‌مش می‌کنم. الان هم که همه‌ش تو ترس و نگرانی که نکنه مشکلی پیش بیاد.

۳. مخاطرات جسمی

از منظر مصاحبه‌شوندگان، سلامت و جراحی زیبایی در تقابل باهم قرار دارند. زنان مصاحبه‌شده از خطرات جسمی چون خون‌مردگی، خونریزی، کم‌خونی، تخریب بافت پوست، ضعف جسمی، سردرد، خستگی چشم، اختلال در حافظه و هوش، مشکل تنفسی، از دست دادن حس بویایی و لامسه، و یا حتی دیر به هوش آمدن می‌نالیدند. الهام ۲۶ ساله، معلم، و مجرد، تجربه زیسته خود را این‌گونه نقل می‌کند:

- وای وقتی یادش می‌افتم خیلی می‌ترسم چون من تا پای مرگ رفتم. دو ساعت دیر به هوش اومدم و همه از اومدن دوباره من به این دنیا قطع امید کرده بودند. بعد عمل خون‌مردگی، کبودی، و افت فشار داشتم. چشم‌هام زود خسته می‌شه و سردرد دارم. سلامتی رو تخریب می‌کنه، مثلاً شب‌ها راحت نمی‌خوابم، گلووم خشک می‌شه، استرس دارم و نگرانم.

سارا ۲۵ ساله و مجرد نیز در این باره چنین می‌گوید:

- به نظر من سلامت جسم رو به هم می‌ریزه؛ مثلاً یکی از دوست‌هام، که هم‌سن خودم بود، سینه‌ش رو جراحی کرد، بعد یه هفته عفونت شدید کرد و فوت شد.

مرضیه ۲۷ ساله، دانشجوی، و مجرد نیز می‌گوید:

- خیلی‌ها بودن از زیر عمل درنیومدن. یکی از اقوام ما عمل جراحی ساکشن انجام داد که بعد از دو هفته فوت شد. کلاً جراحی زیبایی خیلی خطرناکه، شوخی که نیست.

۴. انزوای اجتماعی

از منظر مصاحبه‌شوندگان فاصله زیاد خواسته‌ها و انتظارات از واقعیت موجود، فرد را درگیر ترس و استرس، نگرانی، یأس و ناامیدی، از خودبیگانگی، و نارضایتی می‌کند. از طرفی احساس شکست و پشیمانی، واکنش منفی فامیل و آشنایان و نوعی شکاف هویتی (میان هویت بالفعل و بالقوه) ایجاد می‌کند و فرد دچار احساس تعارض، دوگانگی، و ناامنی می‌شود. همان‌طور که نازیبایی در جامعه امروز نوعی داغ ننگ به حساب می‌آید، فرد با جراحی زیبایی برای پنهان کردن نازیبایی‌اش با شکاف هویتی مواجه می‌شود. این عوامل زمینه‌ساز انفعال و به حاشیه رانده شدن زنان از

فعالیت‌های مهم جامعه می‌شود تا با فراغ بال بیشتر به زیباترکردن بدن خود بپردازند. میترا ۲۳ساله، دانشجوی حقوق، و مجرد پیامدهای جراحی را این‌گونه روایت می‌کند:

- فعلاً که نگرانم چرا تغییر نکردم. فعلاً که بد بوده. من قبل عملم کلی خواستگار داشتم، ولی الان نه و خواهرم که یک سال از من کوچک‌تره، ازدواج کرد و من خیلی ناراحت شدم. بعد از عمل احساس می‌کردم یه فرد دیگه‌ای هستم. از خودم بدم می‌اومد. حس می‌کردم با خودم غریبه شدم. حتی دیگران هم این حس رو به من داشتن. مهسا ۲۳ساله و مجرد نیز در این باره می‌گوید:

- یک مدت رفتار فامیل با من خیلی بد شد و تو جمعشون اصلاً حرف نمی‌زدیم و منزوی شده بودم. با اینکه من خیلی روحیه داشتم و خیلی شلوغ بودم، ولی من رو خیلی ناراحت کردن و برام عذاب‌آور بود رفتارشون. همچنین خانواده‌م از این حرکت خیلی ناراحت بودن. فعلاً که هیچ اتفاقی نیفتاده؛ نه ازدواج کردم نه سر کار رفتم؛ هیچی.

۵. وسواس زیبایی^۱

به باور اکثر مصاحبه‌شوندگان تجربه عمل جراحی با همهٔ مسائل آن، فرد را دچار نوعی حساسیت زیباترشدن می‌کند؛ تا جایی که این اضطراب و درگیری فکری او را به سمت جراحی‌های مکرر ترغیب می‌کند. این وسواس در ارتباط با استاندارددکردن بدن، ایده‌آل‌سازی بدن، و مدل‌های رسانه‌ای است که فرد همیشه در فکر رسیدن به آن‌هاست. مژگان ۳۵ساله، متأهل، و خانه‌دار پیامدهای جراحی زیبایی را این‌گونه بیان می‌کند:

- بعد عمل دماغ، گونه گذاشتم و همهٔ این‌ها رضایت من رو نشون می‌دن از جراحی زیبایی. ولی خودم می‌دونم دچار وسواس شدم و برای گونه از چربی بدن خودم تزریق شده که می‌گن شیش ماهه‌ست؛ یعنی دوام کمی داره و من چون خیلی عجله و عطش داشتم اصلاً تحقیق نکردم که چه روشی خوبه. می‌گن پروتز بهتره، ولی دیگه من ضرر کردم و خیلی خوب نشد. خوب درنیومد چون من دوست داشتم مثل خواننده‌هایی که گونه می‌ذارن و خیلی خوشگل و برجسته است بشم که نشد.

لیلا ۲۳ساله، دانشجوی، و مجرد نیز بر این باور است:

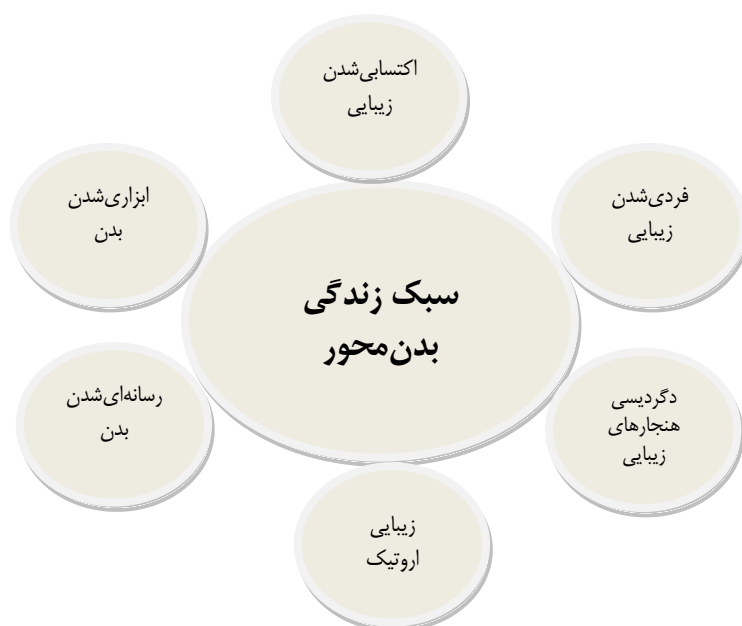
- اگه یه بار بری عمل، ترست می‌ریزه و دست به عمل بعدی می‌زنی. من قصد دارم سینه‌هام رو بزرگ‌تر کنم.

هستهٔ مرکزی: سبک زندگی بدن‌محور

مقولهٔ هستهٔ این پژوهش با عنوان سبک زندگی بدن‌محور براساس شش زیرمقوله (شکل ۱) شکل گرفته است. این مقوله به انتزاعی‌ترین نحو ممکن به پرسش‌های زمینه‌ای، تعاملی، و پیامدی پاسخ می‌دهد و می‌توان مسیر روییدن آن از دل داده‌های زمینه را از طریق رجوع به مقولات محوری پی گرفت. مقولهٔ اکتسابی‌شدن زیبایی، دگردیسی معیارها و هنجارهای زیبایی،

1. beauty of obsession

زیبایی اروتیک، فردی شدن زیبایی، و کارکردی شدن بدن از چرخش بدنی و برجسته شدن دلالت‌های اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی بدن نشان دارد که ترنر از آن با عنوان جامعه بدنی یاد می‌کند. ترنر تن آدمی را محمل تنظیم اجتماعی می‌داند. تنظیم بدن به میدان اصلی فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی تبدیل شده است و جامعه بر محور بدن و تولید آن می‌چرخد [۳۴، ص ۱۴۹].



شکل ۱. جراحی زیبایی به مثابه سبک زندگی بدن محور

به زعم گیدنز، بدن‌های مدرن، به مثابه شکلی از خود‌مُدسازی^۱ بازتابنده عمل می‌کنند. هم برنامه‌ریزی و تنظیم زندگی و هم پدید آمدن گزینه‌هایی برای انتخاب شیوه زندگی اساساً با مدیریت بدن درهم آمیخته شده است. در روزگار کنونی، روش‌های افراطی اصلاح و دستکاری بدن عملاً به یکی از ویژگی‌های همگانی زندگی روزمره مبدل شده است [۲۲، ص ۱۴۹]. تکوین سبک زندگی بدن محور به نوعی مؤید کارکردهای تمایزبخشی و سبک‌بخشی بدن دارد. به باور ترنر، افراد در جوامع مدرن بدن‌ها را تحت نظم قرار می‌دهند و قاعده‌مند می‌کنند تا لذت خلق کنند و بدن را مورد رژیم قرار می‌دهند تا سطح بدن به‌منزله یک نماد بهتر رشد کند. بدن امری دنیوی و عرفی می‌شود. بدن و کنترل آن از حوزه نیروهای مقدس به واقعیات دنیوی نظیر رژیم، لوازم آرایش، ورزش، و مسائل پزشکی تغییر

1. self-fashioning

مکان داده است که این به واسطه پروسه عرفی شدن صورت گرفته است. مقوله بدن به مثابه امر اجتماعی با زیرمقولات (بدن به مثابه رسانه، ابزاری شدن بدن، دموکراتیزه شدن بدن) معرف این است که بدن در نظام اجتماعی امروزی به میدان اصلی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی بدل شده است. زنان در جامعه امروزی در زمره گروه‌های اجتماعی به شمار می‌روند که عمدتاً به میانجی بدن تعریف می‌شوند و در پروژه عظیم بدن به کار گمارده شده‌اند. با استانداردهای زیبایی، زیبایی اروتیک و زنانه پنداشتن آن، کنش‌ها و استراتژی‌های زنان معطوف مدیریت ارائه خود در جامعه است.

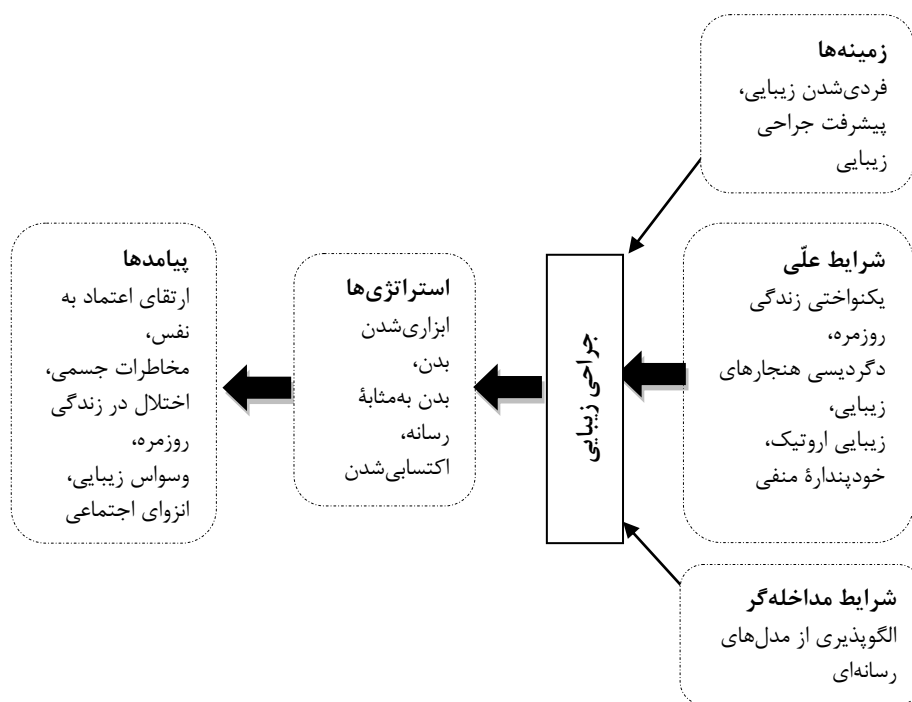
نظریه مبنایی پژوهش

در این پژوهش، سعی شده است با تکیه بر تجربه و درک زنان، شرایط و بسترهای پذیرش جراحی زیبایی در شهر سنندج در نظر گرفته شود. در کنار این امر، تلاش شده که تعامل و کنش زنان آن‌طور که خود آن‌ها تجربه کرده‌اند ارائه شود. بازسازی این مراحل مبتنی بر آن چیزی است که زنان تجربه کرده و آن را به‌طور شفاهی و در عمل بیان کرده‌اند. براساس مدل پارادیمی (شکل ۲)، می‌توان گفت که جراحی زیبایی زنان تحت‌تأثیر یک‌سری شرایط خاصی بوده است. این شرایط در سه دسته علی، زمینه‌ای، و مداخله‌گر طبقه‌بندی شده‌اند. شرایط علی عبارت‌اند از: یکنواختی زندگی روزمره، دگردیسی معیارهای زیبایی، زیبایی اروتیک، و تکثیر تصورات منفی از جسمانیت خویشتن. در این میان، فردی شدن زیبایی و پیشرفت جراحی زیبایی به مثابه زمینه و الگوپذیری از مدل‌های رسانه‌ای به منزله شرایط مداخله‌گر عمل می‌کنند. شرایط مذکور به‌طور کلی و در امتداد با یکدیگر موجب شده‌اند که پدیده‌ای به نام جراحی زیبایی و عناصر آن مورد توجه زنان سنندجی قرار بگیرد. با پذیرش پدیده جراحی زیبایی، زنان در برابر آن تعاملات خاصی را انجام می‌دهند و استراتژی‌های خاصی را اتخاذ می‌کنند. تعاملات مذکور را می‌توان در قالب اکتسابی پنداشتن زیبایی، رسانه‌ای شدن، و ابزاری شدن بدن دسته‌بندی کرد. بنابراین، روی آوردن زنان به جراحی زیبایی، منفعلانه و واکنشی نبوده و ماهیت بازاندیشانه دارد. جراحی زیبایی از دیدگاه زنان پیامدها و نتایجی برای زندگی آن‌ها دارد که می‌توان پیامدهای مذکور را در چند مقوله دسته‌بندی کرد: ارتقای اعتماد به نفس، مخاطرات جسمی، اختلال در زندگی روزمره، وسواس زیبایی، و انزوای اجتماعی.

نتیجه‌گیری

امروزه، با مرکزیت یافتن بدن به منزله مهم‌ترین عنصر هویت‌ساز و تقدس یافتن آن از یک‌سو و نمایشی شدن، دموکراتیزه کردن، و استانداردسازی ایده‌آل‌های بدن از سوی دیگر، شاهد علایق روبه‌رشد در زمینه اصلاح و تغییر بدن هستیم. پیشرفت‌های پزشکی و رشد و گسترش صنایعی که در حوزه بدن فعالیت می‌کنند، امکان وسیع‌تری برای افراد فراهم کرده است. بازسازی

معنایی تجربه زنان از جراحی زیبایی از تکوین نوعی سبک زندگی بدن‌محور به‌مثابه مجرای جدید هویت‌بخشی در میان زنان نشان دارد.



شکل ۲. مدل زمینه‌ای درک زنان از شرایط، تعاملات، و پیامدهای جراحی زیبایی

بر مبنای نتایج مصاحبه‌ها، دختران مجرد تحصیل‌کرده، شاغل، و متعلق به طبقه متوسط، بیش از سایر گروه‌های دیگر زنان زیر تیغ جراحی می‌روند. این نتیجه‌گیری می‌تواند یادآور استدلال گیدنز باشد که هرچه زنان بیشتر از خانه خارج می‌شوند، بیشتر در فرایندهای رهایی‌بخش مشارکت خواهند جست. بنابراین، برای زنان و دختران رهایی‌یافته از چارچوب نقش‌های ابرازی، مسائل هویتی بیش از پیش اهمیت می‌یابد، زیرا باید بتوانند موقعیت و هویت اجتماعی خود را در جامعه بازتعریف کنند [۲۱، ص ۱۱۲].

بر مبنای نتایج حاصل از مصاحبه‌های کیفی، فشار هنجاری و یکنواختی زندگی روزمره، و استاندارد زیبایی، که الگوپذیری از مدل‌های رسانه‌ای و پیشرفت علم جراحی بیشترین مداخله را در آن دارد، از یک طرف با جنسیتی‌کردن (زیبایی اروتیک) معیارهای بدنی و فردی‌شدن زیبایی و درونی‌کردن این استانداردها و معیارهای زیبایی و تصور دستیابی به بدن ایده‌آل پیش‌ساخته در مخاطبان خود موجب شده است زنان با مقایسه خود و بدن خود با

استانداردهای بدنی دچار نوعی خودپنداره منفی شوند و در پی دستیابی به بدن ایده‌آل برآیند. نتیجه مذکور به نوعی مؤید پژوهش‌های این حوزه [۱۰؛ ۱۲؛ ۱۶؛ ۳۲؛ ۳۳] است.

اما در این بازی بدنی، که زنان بازیگران اصلی آن به حساب می‌آیند، رمزهایی به کار برده می‌شود. این رمزگذاری بدنی، که ساخته و پرداخته می‌شود، در نهایت و در طی فرایندهایی توسط مخاطبان خاص خود رمزگشایی می‌شود. زنان به‌عنوان یکی از مخاطبان اصلی این رمزگذاری، از رمزهای بدنی برای رهایی از فشارهای هنجاری (زندگی ملال‌آور روزمره، کسالت، بی‌حوصلگی، بیکاری) بهره می‌گیرند. زنان در این مواجهه، بدن را به‌مثابه ابزاری برای رسیدن به فرصت‌ها و امتیازهای اجتماعی-اقتصادی و در نهایت موفقیت اجتماعی درک و به کار می‌گیرند؛ فرصت‌هایی چون شوهریابی و کاریابی را منوط به استفاده از رمزگان بدنی می‌یابند. بر مبنای مطالعه کیفی اینانلو (۱۳۹۰) نیز جوانان تهرانی بدن را به‌مثابه نوعی دارایی و رسانه به کار می‌گیرند.

یافته‌های این مطالعه مؤید آن است که هرچه زنان بیشتر در بازی‌های بدنی درگیر می‌شوند، کمتر به خواسته‌های خود می‌رسند و از آن دورتر می‌شوند. به بیان دیگر، با توجه به جایگاه اجتماعی زنان در جامعه، برای دیده شدن و جلب توجه دیگری به دنبال ارائه خود هستند. زنان به این درک از بدن می‌رسند که با درونی و عملی کردن این رموز بدنی می‌توانند در جامعه حضور یابند و موفق شوند، اما واکاوی آثار و پیامدهای جراحی بر چیز دیگری دلالت دارد. استرس و اضطراب ناشی از وسواس فرد را دچار نوعی طرد ذهنی می‌کند که در نهایت به طرد عینی منجر می‌شود و از فعالیت در جامعه بازمی‌ماند. به‌زعم گروگن، هنجارهای زیبایی ایده‌آل‌هایی را برای زنان تعیین می‌کند که دستیابی به آن‌ها عملاً غیرممکن است و این ایده‌آل‌ها و اهداف غیرواقعی، زنان را در موقعیت فرودستی قرار می‌دهد که وادارشان می‌کند دائماً با همه قوا در حال آماده‌باش و نظارت بر تغییرات بدن خود قرار داشته باشند [۹، ص ۱۳].

در جامعه‌ای که زیبایی به یک ایده‌آل مبدل می‌شود، طیفی از زنان تحت رژیم قرار می‌گیرند تا صاحب بدنی ایده‌آل شوند. مخاطرات جسمی و اختلال در زندگی روزمره بعد از عمل گریبانگیر افراد می‌شود. به خطر افتادن سلامت جسمی و روانی و حتی اختلال در فعالیت‌های عادی روزمره آشکارترین زمینه را برای طرد ذهنی و عینی زنان فراهم می‌کند.

نکته آخر اینکه، تغییر در عادات و رفتارهای بدنی در جامعه ایران هرچند به درجاتی برآمده از تفکیک اجتماعی بوده است، کمتر در فرایندی خودجوش و به‌اصطلاح از پایین به بالا شکل گرفته است. روندها و الگوهایی چون استاندارد شدن، عرفی شدن، اکتسابی شدن، اروتیزه شدن، و نمایشی شدن، که در حال حاضر وجه مشخصه بسیاری از کدهای رفتاری و هیجانی بدن در ایران محسوب می‌شوند، بیش از آنکه در فرایندی تاریخی و با تحولات ساختاری و نهادین جامعه سنتی همراه باشند، از روریاوی و تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم از کانون‌های

معنایی غیرایرانی متأثر است. البته این گزاره به معنای نفی جلوه‌ها، ارزش‌ها، و نگرش‌های دیرپای فرهنگی و دلالت‌های آن‌ها در مدیریت ارتباطات بدنی نیست [۱۵].

منابع

- [۱] آقایاری، سحر (۱۳۸۴). «بررسی جامعه‌شناختی آرایش و جراحی‌های زیبایی شهر تهران»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۲] آزادارمکی، تقی؛ غراب، ناصر (۱۳۸۷). «بدن و هویت»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۱۳، ص ۱۰۱-۱۲۳.
- [۳] احمدنیا، شیرین (۱۳۸۵). «جامعه‌شناسی بدن و بدن زنان»، فصلنامه *زنان*، ش ۵، ص ۲۵-۳۹.
- [۴] استراس، آنسلم؛ جولیت، کوربین (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها، و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۱۷۷.
- [۵] ایوت، آنتونی (۲۰۰۲). «بدن‌های پلاستیکی؛ تأثیر فرهنگ شهرت بر افزایش جراحی زیبایی»، *سیاحت غرب*، ش ۱۰۸، ص ۲۱-۴۹.
- [۶] اینانلو، مینا (۱۳۹۰). «تحلیل کیفی سبک‌های مدیریت بدن در بین جوانان تهرانی (۲۰ تا ۳۴)»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا.
- [۷] بلالی، اسماعیل؛ افشارکهن، جواد (۱۳۸۹). «زیبایی و پول، آرایش و جراحی»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۷، ص ۹۹-۱۴۱.
- [۸] توسلی، غلامعباس؛ مدیری، فاطمه (۱۳۹۱). «بررسی گرایش زنان به جراحی زیبایی در شهر تهران»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ش ۱، ص ۶۱-۸۲.
- [۹] جواهری، فاطمه (۱۳۸۹). «بدن و دلالت‌های فرهنگی-اجتماعی آن»، *نامه پژوهش فرهنگی*، ش ۱، ص ۳۷-۸۱.
- [۱۰] جوراب‌چی، کیوان (۱۳۷۸). *جراحی پلاستیک بینی آری یا نه*، تهران: پورسینا.
- [۱۱] چاوشیان، حسن (۱۳۸۱). «سبک زندگی و هویت اجتماعی (مصرف و انتخاب‌های ذوقی به‌عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته)»، پایان‌نامه دوره دکتری، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۱۲] حقیقتیان، منصور؛ انصاری، ابراهیم؛ عسگری، نسرين (۱۳۹۱). «تناسب اندام و رابطه آن با عوامل اجتماعی و روانی در میان زنان اصفهانی»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ش ۴، ص ۱۵۹-۱۷۹.
- [۱۳] ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶). «جوانان، بدن، و فرهنگ تناسب»، فصلنامه *تحقیقات فرهنگی*، ش ۱، ص ۱۱۷-۱۴۱.
- [۱۴] ذکایی، محمد سعید؛ فرزانه، حمیده (۱۳۸۸). «زنان و فرهنگ بدن: زمینه‌های انتخاب

- جراحی‌های زیبایی در زنان تهرانی»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۱۱، ص ۴۳-۶۱.
- [۱۵] ذکایی، محمدسعید؛ امن‌پور، مریم (۱۳۹۱). *درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن*، تهران: تیسرا.
- [۱۶] رضایی، احمد؛ اینانلو، مینا؛ فکری، محمد (۱۳۸۹). «مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۷، ص ۱۴۱-۱۷۱.
- [۱۷] شهبابی، محمود (۱۳۸۸). *صنعت - فرهنگ ظاهرآرایی و زیباسازی بدن در ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۱۸] فرزانه، حمیده (۱۳۸۵). «زنان و فرهنگ بدن، عوامل مؤثر بر جراحی‌های زیبایی»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۱۹] کیوان‌آرا، محمود؛ ربانی، رسول؛ ژیان‌پور، مهدی (۱۳۸۹). «قشر بندی اجتماعی و اصلاح بدن: جراحی زیبایی به مثابه نماد پایگاه اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۷، ص ۷۳-۹۸.
- [۲۰] گافمن، اروینگ (۱۳۹۲). *داغ‌نگ؛ چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده*، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: مرکز.
- [۲۱] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- [۲۲] گیدنز، آنتونی؛ بردسال، کارن (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- [۲۳] _____ (۱۳۸۵). *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- [۲۴] لوبروتون، داوید (۱۹۵۳). *جامعه‌شناسی بدن*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: ثالث.
- [۲۵] مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). *از جنبش تا نظریه: تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران: شیرازه.
- [۲۶] نَش، کیت (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی‌شدن، سیاست، قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- [27] Chou, E. (2007). *Altering Bodies, Constructing Identities: Asian-Canadian Women, Facial Cosmetic Surgery and Identity*. Graduate Program in Sociology, York University: Toronto.
- [28] Crossley, N. (1995). "Body Techniques, Agency and Intercorporeality: On Goffman Relation Public". *Sociology*, 29(1):133-149.
- [29] Davis, K. (2003). "Surgical Passing: Or Why Micheal Jackson's Nose Makes us Uneasy". *Feminist Theory*, 4(1):73-92.
- [30] Featherstone, M. ; Hepworth, M. ; Turner, B. (1991). *The Body: Social Process and Cultural Theory*. London: Sage.
- [31] Frost, L. (2001). *Young Women and the Body*. London: Palgrave.
- [32] Gimlin, D. (2000). "cosmetic surgery: Beauty us Commodity". *Qualitative Sociology*, 23(1):77-98.
- [33] Luo, w. (2008). *Aching for the modern body: Chinese women's consumption of cosmetic surgery*, unpublished dissertation, university efutah.
- [34] Nettleton, S, Watson, J. (1998). *The Body in Everyday Life*. London: Routledge.
- [35] Shilling, c. (1991). "Educating The Body. Physical and the Production of social Inequalitative". *Sociology*, 25 (4):653-672.
- [36] Tiggerman, M, Pickering, A. (1996). "Role of Television Adolescent Women Body Dissatisfaction and Drive for Thinness". *International Journal of Eating Disorders*, 20(1):199-211.
- [37] Turner, Bryan S. (1996). *The Body and Society (Exploration in Social Theory)*. London: sage Publication